

حکمت عملی در مصیبت‌نامه عطار نیشابوری با تأکید بر اخلاق

محسن احمدی*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

d.ahmadimohsen@gmail.com

مهدی شریفیان

نویسنده مسئول، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

m.sharifian@basu.ac.ir

چکیده

حکمت در جهان‌بینی اسلامی، عصاره خرد و روشن‌بینی ضمیر حکیمی است که شایستگی راهبری و هدایت انسان‌ها را دارد. حکمت عملی، شاخه‌ای از حکمت و ناظر به کنش و اعمال و رفتار انسان است؛ چه در ارتباط با خدا و چه ارتباط با خود و چه ارتباط با دیگران. حکمت عملی در حقیقت رهنامه زیست انسانی در دنیاست؛ بنابراین، واکاوی و موشکافی ابعاد آن از دیدگاه‌های مختلف اهمیت زیادی دارد. عطار نیشابوری، عارف و حکیم برجسته ایرانی قرن ششم، از جمله کسانی است که واکاوی ابعاد حکمت عملی در اندیشه او می‌تواند به غنای تحقیقات علمی فرهنگ ایرانی بیفزاید. در مقاله پیش رو، تلاش شده است حکایات موجود در کتاب مصیبت‌نامه عطار، به روش تحلیل مضمون تبیین و تحلیل شود. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش کلی بوده است که شاخص‌ترین و مهم‌ترین مضامین حکمت عملی در اندیشه عطار، چه مواردی است و جهان‌بینی عطار در حوزه تدبیر امور فردی و اجتماعی چگونه است؟ عطار به عنوان یک اندیشمند عارف، در حوزه تربیت فردی و تربیت سامان سیاسی و اجتماعی زندگی انسان دیدگاه‌های بسیار مهمی دارد. برای تبیین این اندیشه‌ها نخست، کل حکایات

مصیبت‌نامه کدگذاری و دسته‌بندی محتوایی شدند که نتیجه‌ای چنین به‌دست آمد:

در این کتاب مجموعاً ۳۷۲ حکایت نقل شده است که در بررسی‌های ما، ۱۲۷ حکایت در بخش اخلاق، ۳۷ حکایت در بخش سیاست مدن و بقیه حکایات به عناوین متفرقه (غیر مرتبط با تحقیق حاضر) کدگذاری شده‌اند. اخلاق در میان سه بخش دیگر، بیشترین حکایات مرتبط با این پژوهش را به خود اختصاص داده است؛ هم‌بدان دلیل که اخلاق پایه و مایه تدبیر منزل و سیاست مدن است، یعنی تداوم آن‌ها به تقویت اخلاق است و هم‌بدان دلیل که عطار عارف است و عرفان، زیستی اخلاق محور را تجویز می‌کند. ۱۲۷ حکایت در حوزه اخلاق دسته‌بندی شده است که خود آن ذیل سه فصل چهارچوب‌بندی شده است: ۱. ارتباط با خدا، ۲. ارتباط با دیگران، ۳. ارتباط با خود. حکایات عطار درباره تدبیر منزل، نتیجه مهمی به‌دست نمی‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت که لااقل در این کتاب، حوزه تدبیر منزل برای عطار اهمیت زیادی نداشته است. در حوزه تدبیر امور سیاسی و حکمرانی، عطار چهار شاخصه مهم را برای حاکم جامعه اسلامی واجب می‌شمارد که عبارت‌اند از: ۱. عدالت‌ورزی، ۲. ساده‌زیستی، ۳. بخشش و بخشودگی، ۴. نصیحت‌پذیری. عطار در حوزه سیاست مدن، هم در مقام یک حکیم، تجویزهای سیاسی دارد و هم خود به‌عنوان یک کنشگر سیاسی-اجتماعی، تندترین انتقادات را متوجه حکومت‌های زمانه خود می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حکمت، حکمت عملی، اخلاق، سیاست مدن، عطار.

مقدمه

در جهان‌بینی اسلامی، انسان بدان سبب پای به این کره خاکی نهاده است تا با عبودیت خداوند متعال، ظرفیت‌های درونی خود را شکوفا و سعادت ابدی را برای خود تضمین کند. تحقق این امر جز با ارشاد و راهنمایی انبیای الهی، ائمه هدی و راهروان راستین این راه مقدور نیست. سپهر حیات انسانی ما اعم از حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی نیازمند راهنمایی و راهبری کسانی است که به نور الهی حقیقت متصل‌اند. حکمت، که خود منقسم به نظری و عملی است، سرمایه و گوهر گران‌بهای فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی است. بازشناسی ابعاد این سرمایه نفیس در اندیشه نخبگان و فرهیختگان این مرز و بوم در پهنه تاریخ و وظیفه ذاتی پژوهشگرانی است که دل در گرو اعتلای فرهنگ ایران‌زمین دارند. تنها با چراغ انداختن به گذشته پرافتخار این مرزو بوم است که

می‌توان آینده‌ای درخشان برای آن رقم زد و این نور تاباندن به گهرهای درخشان فرهنگ ایرانی، بیش از همه به عهده رشته زبان و ادبیات فارسی است که درحقیقت عصاره جان فرهنگ ایرانی است. اکنون که نظریه‌ها و دیدگاه‌های زیادی در حوزه تربیت فردی و اجتماعی جوامع انسانی در حال برهم‌کنش هستند، لازم است ما به ذخایر اندیشه‌ای و گفتمانی خودمان در سنت فکری تاریخی خویش بازگردیم و با واکاوی ابعاد فکری اندیشمندان ایران اسلامی، به پربارتر شدن این فضای نقد و بررسی کمک کنیم. تبیین دیدگاه‌های عارفانی که بسیاری از حقایق عالم را با چشم باطن دیده‌اند، در حوزه‌های تربیت فردی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی‌های مدیریتی کشور و نیز شناخت ظرفیت‌های متعالی گذشته بسیار راهگشا خواهد بود.

عطار به‌عنوان یک عارف و حکیم مسلمان، از مهم‌ترین نخبگان و اندیشمندانی است که باید دقت نظرهای حکمی او در موضوعات مختلف تبیین و تحلیل شود. حکمت مقوله‌ای است که در پهنه تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده است. ماهیت کلی آن حرکت مطابق عقل و خرد است و تشخیص درست از نادرست؛ اما با توجه به اختلاف اندیشه‌ها و تنوع جهان‌بینی‌ها در افراد گوناگون، تعاریف گوناگونی هم از آن شده است. فارابی معتقد است که حکمت از اقسام علوم نظری است که انسان به‌واسطه آن می‌تواند حقایق عالم را فهم کند و برای استکمال نفس خود از این شناخت بهره‌برد (شریفی و دیگران به نقل از فارابی، بی‌تا: ص ۱). از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، «حکمت در عرف اهل معرفت عبارت بود از دانستن چیزها، چنان‌که باشد و قیام کردن به کارها چنان‌که باید به‌قدر استطاعت، تا نفس انسانی به کمال که متوجه آن است برسد و چون چنین بود، حکمت به دو قسم منقسم شود؛ یکی علم و دیگری عمل. علم (حکمت نظری): تصور حقایق موجودات بود و تصدیق به احکام. لواحق آن، چنان‌که فی نفس الامر باشد، به قدرت قوت انسانی؛ و عمل (حکمت عملی): ممارست حرکات و مزاولت صناعات از جهت اخراج آن» (طوسی، بی‌تا: ص ۶).

اگرچه حکمت عملی در حیطه فلسفه است، از آنجاکه محور آن بر خیر اخلاقی در سه حوزه فردی، اجتماعی و سیاسی است، شاعران و نویسندگان در متون نظم و نثر به آن روی آورده‌اند. به همین دلیل، یکی از پایه‌های ادب فارسی به حساب می‌آید که درمجموع، در قلمرو ادبیات تعلیمی و ادبیات عرفانی به آن پرداخته می‌شود. عطار یکی از نظریه‌پردازان اصلی عرفان اسلامی بود که به نقش عمل اجتماعی و اهمیت آن در سلوک عرفانی پرداخت. عطار به‌عنوان یکی از نمایندگان عرفان اسلامی، بر تأثیر متقابل علم و عمل در تربیت سالکان و قبول وظایف اجتماعی ازسوی سالک به‌عنوان مقدمه و شرط اساسی در گام نهادن به وادی سیر الی الله، هماره توجه ویژه داشت.

در این نوشتار برآنیم تا با نقد و بررسی سخنان صاحب‌نظران عرفان و به‌ویژه آثار و اندیشه‌های عطار نیشابوری، به‌عنوان یکی از ارکان عرفان اسلامی، به اثبات این موضوع بپردازیم که آن بخش از تصوف اسلامی که شامل عرفان عملی و سخن از روابط و وظائف انسان با جهان پیرامون و اجتماع خویش است، دارای نگاهی جامع در حوزه تدبیر اجتماع و سیاست مدن است که بخش اعظمی از علم «سیر و سلوک عرفانی» را شامل می‌شود. به تعبیری دیگر، ساخت انسان کامل و آرمانی از نگاه عطار شامل ساخت شخصیت اجتماعی سالک نیز می‌شود که این امر مستلزم طرح و بیان جایگاه و نحوه مدیریت اجتماعی وی در جامعه خویش است. هرچند ممکن است که در تبیین ماهیت قواعد و تدابیر اجتماعی و سیاست مدن، اشتراکات یا اختلافاتی بین عرفای اسلامی مطرح باشد، این مسئله به وجود یک طرح اجتماعی کلی در عرفان اسلامی، خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

روش استفاده‌شده در این پژوهش، روش تحلیل مضمون است که ذیل روش‌های کیفی تحلیل متون دسته‌بندی می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود.

رویکرد نظری

پیشینه بحث تقسیم‌بندی علوم به نظری و عملی را مانند دیگر مباحث بنیادین، باید در یونان قدیم جست‌وجو کرد. افلاطون و ارسطو نخستین اندیشمندانی هستند که می‌توان این‌گونه مباحث را در اندیشه آن‌ها رهگیری کرد. افلاطون کار عقل را در قالب نظریه سه‌بخشی خود درباره نفس تبیین می‌کند. هر بخشی از روح یا نفس یعنی عاطفه، عقل و شهوت علقه‌های متناسب خود را دارند که عبارت‌اند از: علاقه به مال، مقام و حکمت. باوجود این، بخش عقلانی نفس توانایی قضاوت و سنجش علایق متناقض را دارد؛ چون قادر است چگونگی ارضای هر یک از این علایق را بازشناسد. ارسطو از حکمت به مثابه فضیلت و امتیاز بخش عقلانی نفس یعنی عقل یا ذهن سخن می‌گوید (لگنهاوزن، ۱۳۷۳: ص ۱۰). فارابی به‌جای علم عملی و اقسام سه‌گانه آن، از «علم مدنی» بحث می‌کند. این معنی را نباید حمل بر غفلت فارابی از علم اخلاق و علم تدبیر منزل کرد؛ زیرا او علم اخلاق را که مصروف فحوص سعادت است، جزئی از علم مدنی قرار داده و چون معتقد بوده است که سعادت در مدینه فاضله متحقق می‌شود، نمی‌توانسته است، اخلاق را علم مستقل بداند. علم تدبیر منزل هم منحل در علم مدنی است (داوری اردکانی، ۱۳۵۴: ص ۲۰). از دیدگاه بوعلی سینا، حکمت عملی شامل اخلاق نیک و بد و استنباط صناعت است. عقل نظری آن است

که ادراک معانی و صور عقلی از آن حاصل می‌شود و برای درک کلیات است (ابن سینا، ۱۳۸۳: ص ۲۴). در حکمت اشراق، میان عمل و نظر نوعی دیالکتیک وجود دارد. در واقع، این به معنای وابستگی بین عمل و نظر بوده و اینکه تقویت هر یک از عمل و نظر، سبب تقویت دیگری می‌شود (سهروردی، ۱۳۷۵: ج ۳: ص ۴۱۷). حکمت عملی در اندیشه ملاصدرا دربر گیرنده دانش‌هایی است که درباره افعال اختیاری انسان و اینکه کدام عمل، شایسته تحقق و کدام یک سزاوار ترک است، سخن می‌گوید (اکبریان، ۱۳۸۰: صص ۴۴-۵۴).

کتاب‌ها و مقالات بسیاری در مورد جنبه‌های مختلف نظام اندیشه‌ای عطار نگاشته شده است؛ دریای جان هلموت ریتر (۱۳۳۴)، مقدمه‌های بسیار علمی شفيعی کدکنی بر آثار عطار، سیمای جامعه در آثار عطار (۱۳۸۲)، مقاله «حکمت دیوانگان در مثنوی‌های عطار» نوشته نصرالله پورجوادی (۱۳۷۱) و انبوهی مقاله به تبع از مقاله پورجوادی و با همین موضوع و مقاله «مصیبت‌نامه عطار نیشابوری؛ آمیزه‌ای از اخلاق عملی و عرفان» نوشته پروین رضایی (۱۳۹۹) مهم‌ترین منابعی است که تا حدی می‌تواند پیشینه این پژوهش به حساب آید. موارد یادشده به جز مقاله رضایی، مستقیماً به دنبال بررسی ابعاد مختلف حکمت در اندیشه عطار نبوده‌اند؛ گرچه اغلب نکات مفیدی در مورد اخلاق یا سیاست در اندیشه عطار در آن‌ها دیده می‌شود. مقاله رضایی نیز اولاً، روش پژوهش خود را تبیین نکرده است و دوماً، جامع حکایات مصیبت‌نامه نیست. برخلاف عنوان مقاله، پرداختن بخش زیادی از مقاله به حکمت نظری نیز در مصیبت‌نامه، شاید از آن جهت بوده که نویسنده نتوانسته یا نخواسته همه حکایات کتاب را تحلیل و بررسی کند و تنها به برخی حکایات پرداخته است. این پژوهش اولاً، کل کتاب مصیبت‌نامه را تحلیل مضمون کرده است و ثانیاً، روش پژوهش مشخص و دقیق است. تحلیل‌های حاصل آمده، کاملاً متفاوت از دیگران است. در صدد بندگی اهمیت زیربخش‌های مختلف حکمت در اندیشه عطار مزیت دیگر آن است که دیگران بدان نپرداخته‌اند.

بحث

حکمت عملی در اندیشه و بیان عطار، متأثر از مسلک عرفانی اوست. عرفان ایرانی برخلاف آنچه در تصور است، بی‌ارتباط با جامعه و حتی حکمرانی جوامع نبوده است. ساخت و تربیت انسان کامل و آرمانی در اندیشه‌های عرفانی و به‌ویژه عرفان نظام‌مند خانقاه‌های دوران تمدن اسلامی، در قالب ارتباط سالک و پیر یا مراد و مرید مطرح شد. در این نگاه که برگرفته از آموزه‌های اسلامی بود، هدف آمدن نوع بشر در جهان ماده، طی مسیر تکامل روحی از طریق جدال با بُعد جسمانی،

با پیروی از الگوی حقیقی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد، مطرح می‌شود؛ اما این تقابل بین بعد مادی و معنوی آدمی در عرفان به معنای انزوا، رهبانیت و کناره‌گیری از ابعاد اجتماعی یا جسمانی نیست؛ بلکه بیان نحوه چگونگی بهره‌مندی و مدیریت ابعاد جسمانی (فردی و اجتماعی) و قراردادن امکانات مادی در خدمت تکامل و تعالی روحی بشر است. در ادامه به بررسی سه مؤلفه اصلی حکمت عملی در مصیبت‌نامه پرداخته می‌شود.

اخلاق

علم اخلاق به بایدها و نبایدها و شایسته‌ها و نشایسته‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد. مباحث نفس‌شناسی که اذهان حکیمان و عرفا را در طول تاریخ به خود مشغول کرده، مقدمه ورود به همین بحث اخلاق است. ذیل مبحث اخلاق می‌توان وظایف و مسئولیت‌های انسان را در برابر سه وضعیت بررسی کرد: ۱. رابطه انسان با خودش، ۲. رابطه انسان با خالق خودش و ۳. رابطه انسان با مخلوقات دیگر. عرفان اسلامی برای این سه حوزه دیدگاه‌های درخشانی دارد که فارغ از شریعت اسلام، به‌عنوان عالی‌ترین نمودهای حقوق انسانی قابل تبیین است. عطار که تربیت‌شده مکتب عرفان اسلامی است، تبیین‌گر بخشی از این منظومه است.

از میان ۱۲۷ حکایتی که در این پژوهش ذیل اخلاق کدگذاری شده است، ۳۶ حکایت به رابطه انسان با خداوندگارش مربوط می‌شود. عطار معتقد است سختی‌ها و مشکلاتی که خداوند بر سر راه بندگان خویش قرار می‌دهد برای امتحان او و از سر لطف و عنایتش به بنده است تا انسان از این طریق، مسیر رشد و سعادت خود را پی بگیرد. او دائماً دستگیر بنده خویش است. موفق بیرون آمدن از دل این سختی‌ها و موانع است که انسان را به عبودیت و بندگی که هدف خلقت است، می‌رساند. میزان توفیق در این مسیر به میزان ظرفیت‌سازی خود فرد برمی‌گردد؛ هرکه بامش بیش، برفش بیشتر. به میزانی که انسان در خویش ظرفیت و تشنگی ایجاد کند، خدای متعال او را سیراب خواهد کرد. شرط بخشش‌های علی‌الدوام خداوند، ایجاد ظرفیت درونی بنده است. عطار معتقد است عبادات باید باعث سرزنده شدن افراد شود و عبادت‌ایص که رنگ عادات دارند، از حقیقت به دور افتاده‌اند و در انسان ظرفیت تازه‌ای ایجاد نمی‌کنند. او معتقد است انسان هرچای این مسیر دچار لغزش شد، باید امیدوارانه توبه کند و بازگردد. انسان باید بداند که رزق و روزی او در ید خداست و تنها باید روزی‌اش را از او بخواهد.

جدول ۱. شبکه مضامین اخلاق در حکایات مصیبت‌نامه

ردیف	کلان مضمون	مضمون	زیر مضمون	مقاله / حکایت
۱	رابطه با خدا	امتحان	سختی دادن به بنده از روی کرم و لطف است.	۴/۲ تا ۷/۲ - ۱/۱ - ۳/۳ - ۷/۳۱ - ۶/۳۱
۲		عبودیت	عبودیت بالاترین دارایی است.	از ۲/۳۳ تا ۶/۳۳ و ۷/۳۳
۳		عبودیت	عبادت از سر عادت، تهی از حقیقت است.	۰۷ - اگستس
۳		ظرفیت‌سازی	ظرفیت داشتن شرط بخشیدن است.	۸/۱۰ - ۹/۱۰ - ۱/۱۴ - ۲/۱۴
۴		توکل	خدا بهترین پاداش‌ها را می‌دهد.	۲/۱۶ - ۱۶/۰۰
		توکل	روزی را باید از خدا خواست.	۱۱/۲۱ - ۱۲/۲۱ - ۳/۲۶ - ۶/۲۹ - ۷/۲۹ - ۲/۳۴
۵		جبر و اختیار	انسان نه آزاد و نه مجبور مطلق است.	از ۴/۲۳ تا ۷/۲۳
۶	جبر و اختیار	حکم و اختیار دست خداست.	از ۸/۲۳ تا ۱۲/۲۳ و ۱/۲	
	توبه	توبه انسان را پاک می‌کند.	۵/۳۴	
۷	فقر	انسان فقیر مطلق است.	۱/۳۵ - ۲/۳۵ - ۵/۱۷ - ۶/۱۷	
		به قدر سوزنی هم محبت دارایی‌هایت در دلت مانده باشد، به حقیقت ره نمی‌بری.		
۸	تمام‌بودگی	انسان باید در حرفه‌اش تمام باشد.	۲/۹ - ۳/۹	
		باید نهایت جد و جهد را در پیشه خود داشت.		
۹	عاقبت‌نگری	نباید عمر به غفلت گذراند.	۲/۲۱ - ۷/۲۱ - ۳/۲۵ - ۴/۲۵	
		نباید دلبسته صورت‌ها شد.		
		هرچه در دنیا در پی آن بوده‌ای تا ابد در پی همانی.		
۱۰	ارتباط با خود	قناعت	باید به حداقل‌ها اکتفا کرد.	۲/۲۴ - ۴/۲۴ - ۱/۲۵ - ۵/۲۴
			وابستگی به دنیا دین به دنیا فروختن است.	
			احتیاجات انسان با مردم روزگار برآورده نمی‌شود.	
۱۱	ارتباط با خود	هوس‌ستیزی	عبادت از سر ریا و هوای نفس دین به دنیا فروختن است.	۵/۲۵ - ۶/۲۵
			خواهش‌های نفسانی را باید قطع کرد تا شیطان نتواند از آن‌ها علیه ما استفاده کند.	

۱۲	ارتباط با خود	سختی کشیدن	تحمل مشقات و سختی ها انسان را به فضایل می رساند.	۱/۴۰
۱۳		خموشی	خاموشی گزیدن از زیادت عقل است.	از ۵/۰۰ تا ۸/۰۰
			لازمه رازداری سکوت و خاموشی است.	
			خاموشی گزیدن پشیمانی ندارد.	
			بایسته ترین زندانی، زبان در دهان است.	
۱۴		بی مهری به دنیا	عاقبت دنیا مرگ است.	از ۱/۴ تا ۱۲/۴
			دنیای فانی به ستم کردن به دیگران نمی ارزد.	از ۱/۱۱ تا ۱۰/۱۱
			دنیا زندان است.	از ۳/۱۶ تا ۹/۱۶
			دل مشغول کردن به دنیا هدر دادن عمر است.	از ۱/۱۷ تا ۴/۱۷
			دنیا شایسته دل بستگی نیست. چیزی در این دنیا پایدار نیست. دنیا مزرعه آخرت است. از سر دنیا باید گذشت.	۵/۱۸ - ۴/۲۱ - ۱/۲۱ - ۴/۲۱ ۵/۲۱ - ۸/۲۱ - ۹/۲۱ - ۱/۲۵ ۲/۲۵ - ۲/۲۹ - ۴/۲۹ - ۵/۲۹
	نباید رهین منت دیگران بود.		۱۱/۰ - ۱۲/۰	
۱۵	ارتباط با دیگران	عزت نفس	نباید رهین منت دیگران بود.	۱۱/۰ - ۱۲/۰
۱۶		بردباری	تحمل و مدارا زیننده مؤمن است.	۳/۱۸ - ۴/۱۸
۱۷		حفظ کرامت نفس	انسان اشرف مخلوقات است.	۷/۱۹ - ۸/۱۹
			حرمت مؤمن از کعبه بالاتر است.	
۱۸		حفظ حرمت دیگران	حرمت مردان خدا را باید نگه داشت.	۸/۲۹
۱۹		حسن ظن	نباید عیب بین بود.	۱/۳۴
۲۰		شفقت و رحمت داشتن	باید شفقت و رحمت داشت.	۳/۳۴ - ۷/۳۴ - ۶/۳۴
			بخشش باید بدون چشمداشت باشد.	۳/۳۵ - ۳/۳۶ - ۲/۳۶ - ۱/۸
۲۱		تواضع	نباید نسبت به دیگران غرور داشت.	۸/۳۶ - ۹/۳۶

از میان ۱۲۷ حکایتی که ذیل اخلاق کدگذاری شده‌اند، ۷۵ حکایت مربوط به ارتباط انسان با خود است. همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است، عطار معتقد است که انسان فقیر مطلق است. او چیزی از خود در این دنیا ندارد و هرچه هست، برای امتحان او فراهم شده است. او معتقد است که انسان نباید عمر خود را به غفلت و بی‌خبری بگذراند. انسان بی‌هدف به این دنیا نیامده است و همواره باید با نگاه به عاقبت خویش، به دنبال مطلوب‌های متعالی باشد. قناعت به حداقل‌های

دنیا و دلبسته و وابسته نشدن به زخارف آن لازمه رسیدن به فضایل است. نمی‌توان هم غرق در دنیا بود و هم در عین حال دلبسته آن نبود. صورت‌های دنیا جملگی ناپایدار و فریبنده هستند و شایسته دلبستگی نیستند. باید از صورت‌های زخارف دنیا گذشت تا به جمال حقیقت دست پیدا کرد. گذشتن از این صورت‌ها با سختی کشیدن و مبارزه به هوای نفس ممکن خواهد بود. هوای نفس انسان را به سمت لذت‌گرایی دنیایی سوق می‌دهد و همتی بلند می‌بایست تا با تحمل مشقات زودگذر دنیایی به لذت‌های پایدار دست یافت. غره‌شدن به داشته‌های دنیایی انسان را سمت تنزل می‌کشد و او را عاقبت به شر می‌کند. همچنین، عطار معتقد است خموش بودن و خاموشی‌گزیدن نشانه فراوانی عقل آدمی است و هرچه انسان بتواند زبان را در حصار دهان نگه دارد، امان بیشتری خواهد داشت.

بخش زیادی از حکایات این بخش (۴۳ حکایت) تحذیرهای عطار در مورد دنیا است. گرچه عطار معتقد است دنیا مزرعه آخرت است و باید هوشمندانه در آن کسب روزی قیامت کرد، شدیداً انسان را از غرق‌شدن در لذت‌های آن پرهیز می‌دهد. او معتقد است دنیا در کمین انسان نشسته و همواره مترصد فریفته‌کردن اوست. انسان باید آگاه باشد که لذت‌های دنیا ناپایدار است و آنچه ناماندنی است، ارزش دلبستگی ندارد. او معتقد است باید از سر دنیا متکبرانه گذشت و دامن به زخارف آن آلوده نکرد. در حقیقت دنیا برای انسان مؤمن همچون زندانی است که لحظه‌لحظه آن به امید رهایی می‌گذرد.

شعر عطار آینه روزگار اوست. محیط پر از خشونت‌ی که عطار در آن زیسته است، اقتضای آن را نداشته است که چون برخی هم‌طرازانش به لب جوی بنشیند و گذر عمر ببیند و از زیبایی‌های دنیا لذت ببرد. توصیه به «بی‌مهری به دنیا» مضمون اصلی این بخش از دیدگاه‌های عطار است. کشت و کشتار غزها و خشونت اجتماعی حاصل از آن، دنیا را در چشم عطار بی‌ارزش و دل‌نابستی کرده است. از نظر او، مشغول شدن به دنیا هدر دادن عمر است؛ چراکه دنیا زندان انسان است و عطای زندان را باید به لقایش بخشید.

سیاست مدن

سیاست مدن دانش تدبیر مصالح و منافع حیات اجتماعی و مدنی انسان برای رسیدن به کمال غایی و سعادت دنیوی و اخروی است. بنابر طبقه‌بندی علوم، سیاست مدن از اقسام یا به تعبیر دقیق‌تر، از اجزای حکمت و فلسفه عملی است. علوم زیرمجموعه حکمت عملی، یعنی اخلاق (تدبیر و تهذیب نفس)، تدبیر منزل و سیاست مدن، به شناخت و تدبیر امور و پدیده‌هایی می‌پردازد که

پیدایش آن‌ها یا به فعل و رفتار انسان بستگی دارد یا پدید آمدن و چگونگی فعل و رفتار انسان بسته به آن‌هاست. غایت این علوم (شعب حکمت عملی) کسب فضیلت و خیر و رسیدن انسان به کمال نهایی و سعادت غایی است (فنا، ۱۳۹۷: ص ۴۱۳). در جدول زیر، مفاهیمی که بیشترین تکرار را در مضامین حکایات مصیبت‌نامه داشته‌اند، ذکر شده‌اند.

جدول ۲. شبکه مضامین سیاست مدن در حکایات مصیبت‌نامه

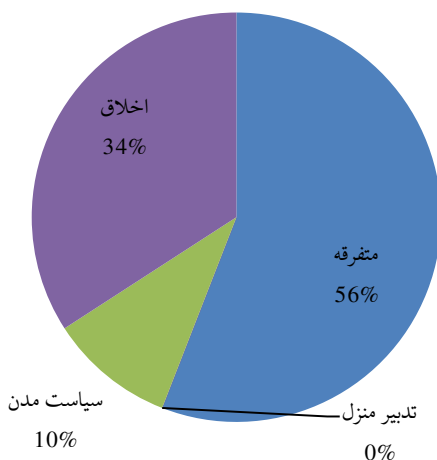
ردیف	کلان‌مضمون	مضمون	زیرمضمون	مقاله / حکایت
۱	عدالت‌ورزی	قوام‌پادشاهی	شاه باید رحیم باشد و دادستمدیدگان را بدهد. ذلت شاه در جمع کردن مال و منال برای تداوم تخت‌نشینی خود است.	۱/۶ - ۱/۷ و ۲/۷ ۹/۷ -
۲		رحمت و تلطف	شاه در تنعم و رعیت در سختی دور از عدالت است.	۲/۷ - ۵/۶
۳		دوری از ظلم و زور	به زور ستاندن اموال رعیت دوری از عدالت است. عاقبت شاهی ناعادلانه، عذاب اخروی است.	۳/۷ - ۴/۷ - ۵/۷ ۶/۷ - ۲/۱۳ - ۱۰/۷
۴		شاوگدا	شاه گداصفت مستحق صدقه است.	۷/۷ و ۸/۷
۵		جمع دین و دنیا	نمی‌شود هم حب دنیا داشت و هم به دنبال معبت خدا بود.	۶/۹
۶	ساده‌زیستی	دل‌بسته‌دنیا نبودن	رهین منت مردم نبودن ناپایداری ملک دنیا دل‌بستگی شاه به دنیا مذموم است. شاه نباید به دنبال گردآوری مال باشد.	۱۴/۰ ۱۲/۴ ۸/۱۱ ۲/۱۵ و ۳/۱۵
۷		دوری از رفاه‌زدگی	شاه نباید رفاه‌زده باشد. شاه راقناعت می‌بایست.	۶/۲۴ ۳/۲۴
۸		عاقبت‌نگری	شاه عاقبت‌اندیش باید. وابستگی به دنیا، آخرت به دنیا فروختن است.	۵/۱۶ ۶/۲۱ و ۳/۲۱
۹		رحمت پادشاه نباید تاجران‌ه و سودمحور باشد.	در بخشش باید به کرم خویش نگاه کند نه لیاقت فرد	۳/۶
۱۰	بخشش و بخش‌پندگی	فضل شاه باید از غضبش سبقت داشته باشد.	حکومت‌داری نباید مبتنی بر ترس از حاکم باشد.	۴/۶
۱۱		رحمت شاه باید همه‌گیر باشد	حاکم در بخشیدن باید وسعت نظر داشته باشد.	۵/۶
۱۲		در هنگام پیروزی عفو عام باید داد.	شکرگزاری در برابر عطای پیروزی بخشش همگانی است.	۴/۳۴

هرچه عطار در حوزه تدبیر فردی امور زندگی و نیز سامان اجتماعی حیات سیاسی انسان حرف برای گفتن دارد، در امر تدبیر منزل ساکت مطلق است. از میان انبوه حکایات کتاب مصیبت‌نامه،

در کدبندی ما این امکان نبود که هیچ حکایتی ذیل تدبیر منزل قرار بگیرد. برای این سکوت مطلق عطار در حوزه خانواده و منزل می‌توان نظرات مختلفی ارائه کرد که البته هیچ‌کدام نمی‌تواند دقیقاً آن چیزی باشد که پاسخ سؤال است؛ اما ممکن است کوره‌راهی به دلیل اصلی کار عطار باشد.

یافته‌ها

آنچنان که آورده شد، موضوع اخلاق در مصیبت‌نامه درصد زیادی از حکایات را دربر می‌گیرد و به نسبت دیگر شقوق حکمت عملی، برجستگی و فراوانی بیشتری دارد. بررسی دلایل این فروانی برای ره‌جستن به اندیشه اجتماعی عطار اهمیت زیادی دارد.



شکل ۱. شمای کلی مضمون‌های حکایات کتاب مصیبت‌نامه

برای فهم اهمیت جایگاه اخلاق در نظام اندیشه‌ای عطار، باید ابتدا جایگاه اخلاق در دین اسلام و منظومه جهان‌بینی اسلامی عطار بررسی شود تا به خوبی بتوان آن را تحلیل کرد. دین متشکل از سه عنصر اصلی است: عقاید، اخلاق و احکام.

مجموعه تعالیم اسلام از یک لحاظ به سه بخش تقسیم می‌شود:

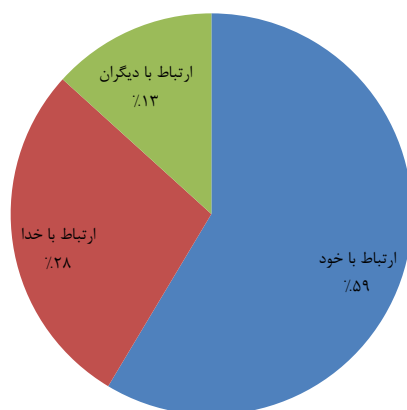
۱. اصول عقاید؛ یعنی اموری که هر مسلمان باید بدان معتقد باشد. کاری که در این زمینه بر عهده خرد انسان است از نوع کار تحقیقی و از اعمال جوانحی و قلبی است.
۲. اخلاقیات؛ یعنی خصلت‌ها و ملکاتی که هر مسلمان باید خود را به آن‌ها بیاراید و خویشان را از اضرار آن‌ها دور نگه دارد.

۳. احکام؛ یعنی دستورهایی که به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان اعم از معاش و معاد و

امور فردی و اجتماعی وی مربوط است. این سه بخش خود نیز با یکدیگر مرتبط هستند؛ به این معنا که اعتقادات مناسب زمینه‌ساز پیدایش اخلاق فاضله و اخلاق فاضله نیز با احکام و تکالیف شرعی مرتبط است و این رابطه سه‌جانبه است؛ یعنی عمل به تکالیف شرعی زمینه را برای دستیابی به مراحل برتر اخلاق و به تبع آن، مرتبه بالاتری از اعتقاد فراهم می‌کند (کمالی شروانی و موحدی، ۱۳۹۶: ص ۵۲).

بسیاری از صاحب‌نظران، دین را به درختی تشبیه کرده‌اند که عقاید به مثابه ریشه‌های آن، اخلاق به مثابه تنه درخت و احکام میوه‌های آن است (ر.ک.: کمالی شروانی و موحدی، ۱۳۹۶: ص ۵۳؛ مصباح یزدی، قیسات، ۱۳۷۸: ص ۳۲، شماره ۱۳؛ مطهری، ۱۳۸۰: ج ۵: ص ۲۰۱). ارتباط این سه با هم بسیار مستحکم و اثرگذار بر همدیگر است. هرچه عقاید انسان صحیح‌تر و محکم‌تر باشد، انسان اخلاقی‌تری است و هرچه اخلاقی‌تر باشد، احکام و مقررات فردی و اجتماعی را بیشتر مراعات خواهد کرد؛ بنابراین، کنش و واکنش این‌ها بر هم باعث تقویت هر کدام خواهد شد. در اندیشه اخلاقی اسلام، استناد اخلاق به اصول و مبادی دینی صرفاً به سبب ضرورت و کلیت اخلاق و یا حفظ پاکی و تعالی احکام و ارزش‌های اخلاقی نیست، بلکه تحقق و دوام و استمرار اخلاق با اعتقاد به خدا کامل می‌شود و ایمان و یقینی که مایه اطمینان و آرامش نفس برای عمل است شرط ضروری است؛ بنابراین، اعتقاد به مبدأ متعالی و ایمان قلبی، اراده‌ای قوی به آدمی می‌بخشد تا زمینه‌ای برای رفتار متعالی باشد. از این رو، بنا گذاردن اخلاق بر اصول اعتقادی در تفکر اسلامی، تنها به این دلیل نیست که اخلاق، بخشی از تفکر دینی است، بلکه بدین معناست که ارزش‌های اخلاقی از اصول اعتقادی مدد می‌گیرند تا به اعتلای خود نائل شوند. اخلاق بدون زمینه‌های اعتقادی، ماهیتی ایستا و راكد یافته و پویایی آن در پرتو اتصال با دین است (اسماعیلی ایولی، ۱۳۹۵: ص ۱۸).

اخلاق اسلامی حیات خود را از عقاید اسلامی می‌گیرد. عقاید ریشه‌ها و پایه‌های بنیادین و محکمی هستند که در ناملازمات و تلاطم‌های روحی و جسمی برای افراد، منجر به ایستادگی و استحکام درونی آن‌ها می‌شود. نمود و ظهور این عقاید در اخلاق است؛ یعنی هرآنچه انسان بخواهد از ایمان راستین و عقاید استوار کسی بگوید، ناچار است که به حیطه اخلاق او وارد شود و برای عینی‌شدن مفاهیم از این حوزه کمک بگیرد. نماد و نمود متدین بودن یک انسان در اخلاق فردی و اجتماعی او نمودار می‌شود؛ بنابراین، بدیهی است که حوزه اخلاق در شرع اسلام بسیار درازدامن و وسیع است؛ چراکه از سویی، بنای احکام و دستورات و مقررات اسلام متکی به آن است و از سوی دیگر، نمود و بروز عقاید هر انسان در تحقق آن متجلی است.



شکل ۲. شمای کلی شبکه مضمون‌های اخلاقی

در مصیبت‌نامه نیز چنانچه دیده می‌شود، از مجموع ۳۷۲ حکایت نقل‌شده، ۱۲۷ حکایت در بخش اخلاق دسته‌بندی شده است و این یعنی اخلاق در حکمت عملی عطار جایگاه بسیار برجسته‌ای دارد؛ مهم‌ترین دلیل آن نیز چنانچه آمد، اهمیت اخلاق در دین اسلام است. تشبیه اخلاق به تنه درخت به خوبی نمایانگر اهمیت آن در میان دو بعد دیگر دین است.

از طرف دیگر، باید این نکته مهم را مدنظر داشت که در اندیشه عطار، غایت سیاست و تدبیر امور سیاسی رعایت عدالت اجتماعی است که خود به نوعی اخلاق است. عطار چهار مؤلفه مهم عدالت‌ورزی، ساده‌زیستی، بخشش و بخشاینده‌گی و نصیحت‌پذیری را در حوزه سیاست مدن پراهمیت می‌داند که هر چهار مورد در حوزه اخلاق قابل دسته‌بندی است؛ بنابراین، چندان عجیب نیست اگر بخش اخلاق در اندیشه عطار فربه‌تر از دیگر بخش‌ها آمده است. نگرش عارفانه و زاهدانه عطار به قدرت سیاسی، روش‌های سیاست‌ورزی مدنظر او را نیز جنبه اخلاقی و انسانی بخشیده است. عطار ظلم‌ها و ستمگری‌های شاهان گذشته و روزگار خود را با صریح‌ترین زبان ممکن به نقد می‌کشد و بی‌اخلاقی‌های آن‌ها را بازنمایی می‌کند. از طرف دیگر، با دفاع از منش حکمرانی عادلانه، باز هم فضیلت اجتماعی «عدالت» گوهره جان اندیشه‌های سیاسی اوست. این رویکرد مبتنی بر نگاهی توحیدی است که صرفاً در جهان‌بینی الهی معنی‌دار می‌شود و با رویکرد دنیامدارانه تفاوتی بنیادی دارد.

در باره نسبت اخلاق و سیاست در علوم سیاسی دیدگاه‌های بسیار متنوعی وجود دارد. افلاطون در «رساله جمهور» خود مهم‌ترین هدف حکمران را سعادت و سلامت اخلاقی جامعه ذکر می‌کند و اعتقاد راسخ دارد که سعادت بشری به نحو چشمگیری با اخلاق گره خورده است. ارسطو، شاگرد

مبرز افلاطون نیز در کنار رساله «سیاست»، چند رساله به نام‌های «اخلاق نیکوماخوس»، «اخلاق اودم» و «اخلاق کبیر» در پیوند اخلاق نوشته است. به عقیده این دو متفکر، وظیفه حکومت چیزی جز پروراندن فضایل اخلاقی بین شهروندان نیست. بر همین اساس، افلاطون از وجود فردی که صاحب علم و فضیلت است، یعنی فیلسوف شاه در رأس جامعه سیاسی و دولت آرمانی خود، یعنی مدینه فاضله سخن می‌گوید و امروزه نیز در باب اخلاق سیاسی ده‌ها کتاب در غرب نوشته می‌شود (ملکیان، ۱۳۸۷: ص ۳۰).

برخی صاحب‌نظران دیگر مانند ماکیاولی معتقدند حوزه اخلاق و سیاست با هم تباین دارند و چون نهاد سیاست ذاتاً فاسد است و دلیل موفقیت آن هم همین فساد اوست، جمع کردن آن با اخلاق ممکن نیست. استاد ملکیان با طرح دیدگاه طرفداران ماکیاولی، آن‌ها را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد و در نهایت، رأی بدان می‌دهد که بین نهاد سیاست و نهاد اخلاق هیچ تباین و تضادی وجود ندارد (ملکیان، ۱۳۸۷: صص ۳۵-۳۰).

به‌طور کلی، به عقیده اندیشمندان اسلامی، ویژگی‌های عمده سیاست اسلامی عبارت‌اند از: ترغیب مردم به شناسایی خداوند و قدرت لایزال او، کسب علم و دانش، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس و استقرار مساوات و مواسات بین افراد و رسیدن به مرز صلح و آرامش خاطر و یافتن لیاقت به‌عنوان خلیفه الهی در زمین (خراسانی، ۱۳۸۳: ص ۲۰). همان‌طور که دیده می‌شود، در نگاه اسلامی رابطه اخلاق و سیاست در هم تنیده و اساساً سیاست ابزاری برای تحقق فضیلت‌های اخلاقی فردی و اجتماعی است.

خروجی تحلیل دیدگاه‌های سیاسی عطار در این کتاب، نشان از چهار مؤلفه مهم دارد که هر چهار مورد را می‌توان در حیطه اخلاق دسته‌بندی کرد؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه گفت که حکمرانی سیاسی از دیدگاه عطار باید اخلاق‌پایه و در جهت تحقق عدالت در جامعه اسلامی باشد. از میان ۳۵ حکایتی که در این کتاب ذیل سیاست مدن آمده است، ۱۴ حکایت، یعنی اندکی کمتر از نصف حکایات، به موضوع عدالت اجتماعی پرداخته است؛ بنابراین، فضیلت عدالت را می‌توان مهم‌ترین هدف در اندیشه سیاسی عطار دانست.

بنابراین، رویکرد کلی اندیشه سیاسی عطار، رویکردی اخلاق‌گرایانه است که ازسویی تهذیب اخلاق را لازمه مهمی برای حکمران سیاسی می‌داند و ازطرف دیگر، اجرای عدالت به‌عنوان یک فضیلت اجتماعی را غایت حکمرانی دینی می‌داند. این دو وجه نشان می‌دهد که رویکرد کلی اندیشه سیاسی عطار اخلاق‌پایه و اخلاق‌مدارانه است.

پیش از عطار، بسیاری از اندیشمندان اسلامی بر بعد عدالت در حکمرانی سیاسی دست

نهاده‌اند. ابن مسکویه (وفات ۱۰۳۰ م.) یکی از مهم‌ترین اندیشمندان اسلامی است که مهم‌ترین نظریه سیاسی او را «نظریه عدالت» دانسته‌اند. (یاسین، بی‌تا: ص ۵۵۸). همچنین، خواجه نصیرالدین طوسی، اندیشمند بزرگ دیگری است که موضوع عدالت در اندیشه سیاسی او برجستگی زیادی دارد. خواجه نصیرالدین طوسی رسیدن به کمال و سعادت را تنها در سایه حکمرانی عادلانه و رهبری عدالت‌پیشه مقدر می‌داند و معتقد است تنها در چنین جامعه‌ای است که انسان به سعادت دنیا و آخرت دست می‌یابد (خراسانی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۴).

جانبداری عطار در عدالت‌خواهی، تنها در نصیحت مشفقانه شاهان و حاکمان نیست. عطار با شخصیت‌پردازی ماهرانه، جانبدارانه سمت و سوی فقرا را می‌گیرد. عطار به وضوح در لحن حکایات خود، جانب فقرا و دیوانگانی را می‌گیرد که نان برای خوردن ندارند و پوشاکی برای به تن کردن؛ اما در برابر حکام روزگارشان تندزبان و تیزگو هستند. لحن آمرانه آن‌ها در برابر این حکام، نشان از آن دارد که در نظام اندیشه سیاسی عطار، پابرهنگان و اقشار مستضعف جامعه نه تنها نباید در حاشیه روندهای سیاسی باشند، بلکه باید در بطن کنش‌های سیاسی باشند. شخصیت‌دادن به اقشار محروم جامعه و بلندگوی سخنان آنان شدن و نه‌راسیدن از عواقب خطرناک نقدهای تند زبانی و عملی، خود نوعی عدالت‌خواهی اعتراضی است که عطار به خوبی در آثار خود آن را بیان می‌کند.

بنابراین، تدبیر مدن از دیدگاه عطار یک شاه‌کلید اصلی دارد که اجرای عدالت است و یک الزام حکمرانی دارد که تهذیب نفس پادشاه است. ویژگی‌هایی که عطار برای شاه عادل بیان می‌کند نشان از آن دارد که در اندیشه سیاسی او کسی می‌تواند به تخت حکمرانی سیاسی تکیه بزند که ابتدا خصایص برجسته اخلاقی را در خود نهادینه کرده باشد، در رابطه خود با خدا و خلق رعایت جوانب اخلاقی را مدنظر داشته باشد و در حکمرانی خود، نه تنها به دنبال کسب قدرت فردی و جناحی نباشد، بلکه باید همه همت خود را مصروف اجرای عدالت اجتماعی کند.

پس شاه‌کلید اجرای اندیشه سیاسی عطار، اجرای عدالت اجتماعی است. تنها در سایه اجرای عدالت اجتماعی است که زرمدران و زورمندان نمی‌توانند به طبقات فرودست ظلم کنند و طبقات فرودست نیز بدون هیچ لکنت زبانی می‌توانند حقوق خود را از شاهان و امیران جامعه اسلامی ایفاد کنند.

اینکه چرا عدالت این‌طور در ذهن عطار مطالبه‌ای گران‌وزن است به این بازمی‌گردد که «بی‌عدالتی» در روزگار او بیداد می‌کند. در تاریخ بیهق تنها یک چشمه از آنچه عطار به چشم خویش دیده است را چنین می‌خوانیم: «قتل و کشتار بسیار از شمار مردمان و ساکنان خراسان

است. در بعضی قصبه‌ها شماره مردم از هزار تن به هفده تن رسید... دو بهر از مردم در این سال سر ناحیت بی‌هق هلاک شدند، در دیه راز هزار شخص بود، هفده مرد بیش نماند و بعد از این... قحط و وبا افتاد، طعام عزیز شد، چنین حکایت کردند که روز بود که زیادت از پنجاه جنازه به مقابر نقل می‌کردند» (بی‌هقی، بی تا: ص ۲۷۱).

در روزگاری چنین مضطرب و هراسناک، شعر عطار آینه مطالبه عدالت است. هیچ چیز به قدر عدالت در این وانفسای عجیب نمی‌توانست مردم مظلوم روزگار شاعر را نجات بخشد.

نتیجه‌گیری

حکمت عصاره جان هر فرهنگی است و فرهنگ ایرانی اسلامی مملو از اندیشه‌های حکیمانه‌ای است که با تبیین و تحلیل آن‌ها باید این گوهر گران بها را حفظ کرد و به‌دست نسل آینده سپرد. عطار نیشابوری به‌عنوان حکیمی عارف، از جمله اندیشمندان صاحب‌نظری است که دیدگاه‌های حکمی او درباره موضوعات مختلف شایان بررسی و امعان نظر است. این پژوهش تلاشی است در راستای تبیین دیدگاه‌های حکمی عطار درباره سامان زندگی فردی و اجتماعی انسان. روش پژوهش تحلیل مضمون حکایات کتاب مصیبت‌نامه بوده است. طبق بررسی‌ها، در مجموع در این کتاب ۳۷۲ حکایت نقل شده است که ۱۲۷ حکایت در بخش اخلاق، ۳۷ حکایت در بخش سیاست مدن و بقیه حکایات به عناوین متفرقه (غیر مرتبط با تحقیق حاضر) کدگذاری شده‌اند. اخلاق در میان سه بخش دیگر، بیشترین فربهی را دارد؛ یکی بدان دلیل که اخلاق تنه اصلی درخت دین است و دوم اینکه عرفان اساساً رویکردی اخلاق‌مدارانه به امور دنیا دارد. ۱۲۷ حکایت در حوزه اخلاق دسته‌بندی شده است که خود آن ذیل سه فصل چهارچوب‌بندی شده است: ۱. ارتباط با خدا، ۲. ارتباط با دیگران، ۳. ارتباط با خود. حکایات عطار درباره تدبیر منزل، نتیجه مهمی به‌دست نمی‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که لااقل در این کتاب، حوزه تدبیر منزل برای عطار درجه اهمیت زیادی نداشته است. در حوزه تدبیر امور سیاسی و حکمرانی، عطار چهار شاخصه مهم را برای حاکم جامعه اسلامی واجب می‌شمارد: ۱. عدالت‌ورزی، ۲. ساده‌زیستی، ۳. بخشش و بخشودگی، ۴. نصیحت‌پذیری. عطار در حوزه سیاست مدن هم در مقام یک حکیم، تجویزهای سیاسی دارد و خود به‌عنوان یک کنشگر سیاسی-اجتماعی، تندترین انتقادات را متوجه حکومت‌های زمانه خود می‌کند. رویکرد کلی عطار در دیدگاه‌های سیاسی، رویکردی اخلاق‌گرایانه با هدف بسط عدالت اجتماعی است.

کتابنامه

۱. ابراهیم پور، زهرا. ۱۳۸۹. «بررسی عناصر طنزآمیز در کلام سعدی و ذکر پاره‌ای از نکات روان‌شناسی». نامه پارسى. شماره ۵۲. صص ۲۴-۵.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۹. شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی. تهران: انتشارات حکمت.
۳. ابن‌سینا، حسین. ۱۳۸۳. رساله النفس. با مقدمه و حواشی دکتر موسی عمید. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۴. احمدی، احمد. بی‌تا. «سهروردی و حکمت عملی». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی شیخ اشراق. پایگاه مقالات ایران داک.
۵. ارسطو. ۱۳۷۷. اخلاق نیکوماخوس. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.
۶. اسماعیلی ایولی، علی. ۱۳۹۵. «حکمت در اخلاق اسلامی، چیستی، جایگاه، تبارشناسی و قلمرو». رساله دکتری. دانشگاه معارف اسلامی قم.
۷. اکبریان، رضا. ۱۳۸۰. «فلسفه عملی در حکمت متعالیه ملاصدرا». مجله خردنامه صدرا. شماره ۲۶. صص ۴۴-۵۴.
۸. الاهوانی، فؤاد. ۱۳۹۱. «نظریه سیاسی ابن‌سینا». ترجمه محمد فیروزکوهی. مجموعه مقالات حکمت عملی شیخ‌الرئیس. بنیاد علمی-فرهنگی بوعلی سینا.
۹. بخشی، مجید. ۱۳۹۸. «بازخوانی ماهیت حکمت عملی در حکمت اشراقی سهروردی براساس الگوی پیر آدو». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد.
۱۰. بنیاد حکمت صدرا. ۱۳۸۴. مجموعه مقالات ملاصدرا و حکمت عملی. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
۱۱. بهشتی، احمد. ۱۳۸۴. «سیاست و شریعت در حکمت صدرایی». مجموعه مقالات ملاصدرا و حکمت عملی. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
۱۲. بیهقی، علی‌بن‌زید. بی‌تا. تاریخ بیهق. با تصحیح احمد بهمنیار. تهران: فروغی. چاپ دوم.
۱۳. پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۲. دیدار با سیمرغ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۱۴. حسینی‌نیا، اقبال. ۱۳۸۶. زمزم هدایت. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۵. خامنه‌ای، سید محمد. ۱۳۹۰. «ملاصدرا و حکمت عملی». مجله خردنامه صدرا. زمستان. شماره ۶۶. صص ۱۲-۵.

۱۶. خراسانی، رضا. ۱۳۸۳. اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب.
۱۷. داوری اردکانی، رضا. ۱۳۴۸. «طرح مسائل مربوط به انتقال فلسفه یونان به عالم اسلامی و تأثیر افلاطون و ارسطو در حکمت عملی فارابی». معارف اسلامی (سازمان اوقاف). فروردین ۱۳۴۸. شماره ۸. صص ۱۱۲-۱۰۶.
۱۸. _____ ۱۳۵۴. فلسفه مدنی فارابی. تهران: چاپ زر.
۱۹. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۶۲. مجموعه مقالات. تهران: تیراژه.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۸۵. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: بینا.
۲۱. روحانی، حسن. ۱۳۹۱. اندیشه‌های سیاسی اسلام. جلد ۱. تهران: انتشارات کمیل.
۲۲. زرگران، ایمان. ۱۳۹۳. «تحلیل و بررسی تطبیقی رسایل فارسی سهروردی و دیوان حافظ»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۷۵. مجموعه مصنفات شیخ اشراق. به تصحیح و مقدمه هانری کربن و سیدحسین نصر. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. شریف، میان محمد. بی‌تا. تاریخ فلسفه در اسلام. جلد ۲. تهیه و گردآوری ترجمه فارسی زیر نظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. شریفی، حسام‌الدین؛ برادران مظفری، منصوره؛ معلمی، حسن. ۱۳۹۷. «جایگاه و روش‌شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی». حکمت اسلامی. سال پنجم. شماره اول. صص ۱۲۴-۱۰۵.
۲۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۸. ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما. ترجمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی.
۲۷. طوسی، خواجه نصرالدین. بی‌تا. اخلاق ناصری. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
۲۸. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد. ۱۳۹۰. «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». اندیشه مدیریت راهبردی. سال پنجم. شماره دوم. پاییز و زمستان. شماره پیاپی ۱۰. صص ۱۹۸-۱۵۱.
۲۹. عبدالحمید، ابوالحمید. ۱۳۶۵. مبانی سیاست. تهران: انتشارات توس.
۳۰. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۶. مصیبت‌نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

۳۱. _____ ۱۳۸۹. منطق الطیر. تصحیح دکتر شفیعی کدکنی. تهران: نشر سخن.
۳۲. _____ ۱۳۹۰. منطق الطیر. تصحیح پورنامداریان و عابدی. تهران: سمت.
۳۳. _____ ۱۳۹۷. تذکرة الاولیا. ج ۱. تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۳۴. غزالی، محمد. ۱۳۱۷. نصیحة الملوك. تصحیح جلال الدین همایی. تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. فایدنی، اکبر. ۱۳۹۲. «نقش مشائیان مسلمان در تحول و توسعه منطق ارسطویی». نشریه تاریخ فلسفه. سال چهارم. شماره ۱. صص ۹۵-۱۱۲.
۳۶. فدایی عراقی، غلامرضا. ۱۳۸۹. «جایگاه حکمت عملی در تاریخ فلسفه اسلامی». مجله تاریخ فلسفه. سال اول. شماره ۲. صص ۵۳-۷۶.
۳۷. فنا، فاطمه. ۱۳۹۷. «سیاست مدن». نشریه دانشنامه جهان اسلام. شماره ۲۵. صص ۴۱۳-۴۱۷.
۳۸. قرشی، علی اکبر. ۱۳۵۲. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم.
۳۹. کمالی شرودانی، علی اکبر؛ موحدی محب، عبدالله. ۱۳۹۶. «بررسی رابطه مؤلفه‌های عقاید، اخلاق و احکام در معارف علوی (ع)»، پژوهش‌های نهج البلاغه. تابستان ۱۳۹۶. دوره ۱۶. شماره ۵۳. صص ۵۱-۶۳.
۴۰. لگنهاوزن، محمد. ۱۳۷۳. حکمت عملی. ترجمه بیژن بهادروند. کیهان فرهنگی. شماره ۱۰۸. صص ۱۰-۱۳.
۴۱. مجلسی، محمدتقی. بی‌تا. بحارالانوار. جلد ۳۲. بی‌جا: بی‌نا.
۴۲. محمودی، خسرو. ۱۳۹۶. «بررسی حکمت عملی در کلیله و دمنه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۸. «دین و اخلاق». قبسات. دوره چهارم. شماره ۱۳. صص ۳۰-۳۷.
۴۴. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۰. آشنایی با قرآن. جلد ۵، تهران: بینش مطهر.
۴۵. ملکیان، مصطفی. ۱۳۸۷. «اخلاق و سیاست». بازتاب اندیشه. شماره ۱۰۲. صص ۳۲-۳۹.

۴۶. میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۸۷. «عقل عملی در حکمت اسلامی». مجله پگاه حوزه. شماره ۲۳۸.
۴۷. ندری ابیانه، فرشته. ۱۳۸۴. «جایگاه عقل در تئوری اخلاقی ملاصدرا». مجموعه مقالات ملاصدرا و حکمت عملی. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
۴۸. نصر، سید حسین؛ لیمن، الیور. ۱۳۸۹. تاریخ فلسفه اسلامی. جلد ۱. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۴۹. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. بی تا. اخلاق ناصری. تهران: ناشر علمیه اسلامیة.
۵۰. یاسین علی محمد، بی تا. عدالت از دیدگاه فلسفه اسلامی: نگرش مسکویه و راغب اصفهانی. ترجمه بهروز جندقی. مجموعه مقالات مبانی نظری حقوق بشر. صص ۵۸۰-۵۵۳.
۵۱. یوسفی، غلامحسین. ۱۳۵۷. دیداری با اهل قلم. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.